

بررسی تعامل تنجیم و طبابت

با مرور اجمالی بر فعالیت‌های حاجی نجم‌الدوله و خاندان وی

مریم ثقیل^۱

چکیده

اطلاع از آینده و حوادث زندگی انسان، به ویژه امور مربوط به پزشکی همچون تعیین زمان مناسب برای مصرف ادویه و بازیابی سلامت، یکی از دغدغه‌های مهم بشر در ادوار گذشته بوده است، که ظاهراً امکان این پیش‌گویی با شکل‌گیری دانش احکام نجوم یا تنجیم میسر گردید.

اهمیت این دانش به حدی بود که این‌گونه احکام در بسیاری از متون از جمله کتب نجومی و طبی برای مخاطبین خاص و تقویم‌های سنتی برای مخاطبین عام، در قرون متمادی درج می‌شد تا این‌که با ورود دانش جدید اروپایی به ایران عهد قاجار، نگارش احکام نجوم در متون تخصصی طب و هیأت، کم‌رنگ اما در تقویم‌های نجومی همچنان ادامه یافت.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی تعامل تنجیم با پزشکی، بر اساس فعالیت‌های عبدالغفار نجم‌الدوله و برخی از خاندان وی می‌باشد. بدین منظور تلاش شده اطلاعات مربوط به این پژوهش از طریق بررسی کتابخانه‌ای، گردآوری و فیش‌برداری شود، سپس به کمک تحلیل مواد خام، داده‌های مورد نیاز به دست آمد و در نهایت با رویکرد توصیفی - تحلیلی تدوین متن حاضر صورت پذیرفت.

بدین ترتیب این جستار با بررسی منابع تاریخی به این نتیجه می‌رسد که به رغم آشنایی خاندان حاجی نجم‌الدوله با علوم جدید، به دلیل تقاضای غالب اقشار جامعه (از

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: marysaghafi@yahoo.com

دربار و برخی دولت‌مردان تا طبقات فرودست)، نگارش احکام نجومی مرتبط با پزشکی، در تقویم‌های چند نسل متوالی از این خانواده تداوم یافت.

واژگان کلیدی

تنجیم، پزشکی، عبدالغفار نجم‌الدوله، گاهنامه

مقدمه

طب سنتی همواره با شاخه‌های مختلف علوم در پیوند بوده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۲ ش.) یکی از مهم‌ترین این علوم، تنجیم است (عقیلی خراسانی شیرازی، ۱۳۸۵ ش.) که به لحاظ بررسی تطابق اوضاع اجرام آسمانی با رویدادهای زمینی (زمانی قمشه‌ای، ۱۳۸۷ ش.) و پیش‌گویی تأثیر اجرام علوی بر عالم سفلی همواره حائز اهمیت بوده است، به گونه‌ای که تنجیم به مثابه علمی مستقل در تقسیم‌بندی دانش سنتی به شمار می‌آمد. (حلبی، ۱۳۶۵ ش؛ نصر، ۱۳۸۴ ش؛ روح‌الهی، ۱۳۸۹ ش.)

آن بخش از احکام نجومی که به تعیین زمان ترکیب دارو، زمان شروع بیماری، درمان و وقت مناسب برای تجویز و مصرف دارو مربوط می‌شد، در متون مختلف نگارش می‌یافت که از میان این کتب، تقویم‌ها اهمیت بیشتری داشتند، زیرا برخلاف متون تخصصی که مورد مطالعه قشر تحصیلکرده بودند، تقویم‌ها، اوراقی غیر تخصصی به شمار می‌آمدند که به صورت گسترده مورد استفاده عموم قرار می‌گرفتند و با توجه به اعتقاد راسخ عامه مردم به تنجیم، (اولیویه، ۱۳۷۱ ش؛ کمپفر، بی‌تا) این تقویم‌ها، مخاطبین بسیاری را به خود جلب می‌کردند. بروگیش^۱ شرق‌شناس آلمانی در این زمینه می‌نویسد: «در تقویم‌های ایرانی معین می‌شود که چه روزهایی باید به حمام رفت و یا چه موقع باید ناخن گرفت. این تقویم‌ها هر ساله قبل از عید نوروز، به تعداد زیاد و به قطع‌های مختلف چاپ و به فروش می‌رسد.» (بروگیش، ۱۳۷۴ ش.) به دلیل همین تیراژ بالای تقویم بود که احکام نجومی به گونه‌ای فراگیر در سطح جامعه توسعه یافتند.

در حیطه موضوع این نوشتار، پژوهش‌هایی صورت گرفته، از جمله مقاله «نگاهی به تاریخ اخترشماری در ایران» تألیف حسین روح‌اللهی که به تاریخچه

تنجیم می‌پردازد و مقاله «تسییر تنجیم و تفسیر منجم» اثر ابوالفضل نبئی که شامل بررسی تنجیم در طول تاریخ می‌باشد و نیز «سیر تغییر و تحول تقویم در ایران و تحلیل نمادهای کهن گاه‌شماری ایرانی در تقویم‌های رقمی دوره اسلامی» کار مشترک حسین عابد دوست و حبیب‌الله آیتی که متمرکز بر نمادهای تصویری تقویم‌های نجومی است.

همچنین کتاب «طب در دوره صفویه» تألیف سیریل الگود که ارتباط طب و احکام نجوم را در دوره مذکور به اختصار شرح می‌دهد، مقاله «نخستین بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در ایران پیش از اسلام» به قلم حمید کاویانی پویا، اشاره‌ای کوتاه به اهمیت طب و نجوم در عهد باستان دارد و «طب در ایران عصر قاجار بر اساس سفرنامه‌های سیاحان غربی» اثر مشترک سید محمد طیبی و حمید کاویانی پویا که در بخشی از آن اعتقادات عمومی در مورد ارتباط درمانگری با نجوم شرح داده شده است.

مقاله حاضر، برگرفته از رساله دکتری مؤلف با عنوان «نجم‌الملک و تحول دانش جغرافیا و نجوم در ایران» به راهنمایی جناب آقای دکتر محمدباقر وثوقی می‌باشد و روش و دستاورد آن با پژوهش‌های ذکر شده، متفاوت است. در این نوشتار، تلاش شده تا با استفاده از متون تاریخی و تقویم‌های سنتی به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود:

احکام نجوم در سلسله مراتب علوم اسلامی چه اهمیتی داشتند؟ تعامل میان تنجیم و طبابت چگونه بود و در چه متونی به این تلازم اشاره می‌شد؟ اوضاع تنجیم در عصر قاجار و رابطه آن با درمانگری چگونه بود؟ این تعامل چه جایگاهی در گاهنامه‌های عبدالغفار نجم‌الدوله^۲ (۱۳۲۶-۱۲۵۵ ق.) و خاندانش داشتند؟

الف - اهمیت احکام نجوم در سلسله مراتب علوم اسلامی

در درازنای تاریخ تمدن انسانی و از زمان پیدایش هیأت، دانش احکام نجوم شکل گرفت، اما با توجه به سیستم تفکر انسان درباره شناخت جهان و ارتباط و تعامل آن با اجرام آسمانی، ایده‌های متفاوتی از درک مفهوم تنجیم یا اخترشماری که به تأثیر نجوم در احوال انسان در این کره خاکی می‌پردازد، شکل گرفت. (حلبی، ۱۳۶۵ ش.) پدیدآمدن چنین دیدگاه‌هایی، تأثیر عمیقی در تعیین جایگاه تنجیم به عنوان معرفتی مستقل در تقسیم‌بندی علوم بر جای گذاشت، به ویژه در ایران، زیرا از میان ملل مختلف، ایرانیان عنایت خاصی به تعامل دانش طب با احکام نجوم و تأثیر آن‌ها در این عالم داشتند. (محمدی، ۱۳۲۳ ش.)

فارابی یکی از نخستین اندیشمندان ایرانی قرن چهارم بود که در دسته‌بندی علوم اسلامی، احکام نجوم را جزئی از علم تعالیم (ریاضیات) به شمار آورد. (فارابی، ۱۳۴۸ ش.) در همین قرن، بوعلی‌سینا، احکام نجوم را زیرشاخه‌ای از اقسام فرعی حکمت طبیعی (ابن‌سینا، ۱۳۲۶ ق.) و خوارزمی، احکام نجوم را زیرشاخه‌ای از دانش نجوم قرار دادند. (خوارزمی، ۱۳۴۲ ق.)

از کتب شاخص قرن ششم در طبقه‌بندی علوم می‌توان به کتاب «ستینی» اشاره نمود. فخر رازی در این کتاب، علم احکام نجوم را دانش مستقلی دانسته و در باب پنجاهم کتاب خود به شرح آن می‌پردازد. (فخر رازی، ۱۳۹۱ ش.) نظامی عروضی نیز گرچه در «چهار مقاله» به طبقه‌بندی علوم نپرداخت، اما یکی از فصول چهارگانه کتاب خویش را به شرح دانش نجوم و احکام نجوم اختصاص داد. (نظامی عروضی، ۱۳۸۶ ش.)

از میان نویسندگان قرن هشتم، می‌توان به قطب‌الدین شیرازی اشاره نمود که احکام نجوم را شاخه‌ای از فروع علم طبیعی (قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۲۰ ش.) و

شمس‌الدین محمد، احوال فلک یا دانش نجوم و نیز، طبع و مزاج کواکب یا احکام نجوم را زیرشاخه‌ای از علم ریاضی می‌دانستند. (دنيسرى، بی‌تا) به همین ترتیب در قرن هشتم، شمس‌الدین آملی، احکام نجوم را در شمار فروع علم طبیعی (آملی، ۱۳۱۷ ق.) و نیز ابن‌خلدون، هیأت را بخشی از علم مقادیر و احکام نجوم را از فروع علم هیأت طبقه‌بندی نمودند. (نصر، ۱۳۸۴ ش؛ روح‌الهی، ۱۳۸۹ ش.)

در قرن یازدهم، صادق اصفهانی بخشی از کتاب خویش را به شرح علم هیأت و احکام نجوم اختصاص داد و تنجیم را بدین صورت تعریف نمود: «احکام نجوم، معرفت تأثیرات نجوم است در سفلیات.» (اصفهانی، ۱۲۶۹ ق.)

در قرون متأخر نیز واجدعلی‌خان، احکام نجوم را دانش مستقلی دانسته و در باب سوم کتابش به شرح آن می‌پردازد. (واجدعلی‌خان، ۱۲۸۹ ق.) از بررسی متون فوق، آشکار می‌گردد که علاوه بر مردم عادی، دانش احکام نجوم مورد توجه اندیشمندان نیز بوده است و به همین دلیل این دانش در طبقه‌بندی علوم اسلامی گاهی دانشی مستقل و گاهی زیرشاخه‌ای از علوم ریاضی یا علم فروع طبیعیات و یا نجوم به شمار می‌آمد.

ب - تعامل میان تنجیم و طبابت در متون سنتی

گسترده‌گی تعامل احکام نجوم با طب مؤید تلازم پویایی این دو علم است. احکام نجومی وابسته به طب بیشتر حیطة پیش‌گویی ایام مناسب برای انجام امور پزشکی و برخی اعمال بهداشت شخصی را دربر می‌گرفت. این احکام در بسیاری از متون تخصصی طب، نجوم، جُنگ و مجموعه‌ها درج می‌گردید، از میان این کتب می‌توان به کتاب «التفهیم» در قرن پنجم اشاره نمود. ابوریحان بیرونی به رغم آنکه اعتقاد چندانی به تنجیم نداشت، (مینوی، ۱۳۳۴ ش.) اما به لحاظ خواسته

مردم، بخشی از کتاب خویش را به بیان احکام نجوم اختصاص داده است. وی در این زمینه می‌نویسد: «هرچند که اعتقاد ما اندرین صنعت، مانند اعتقاد کم‌ترین مردمان است، اما سخنانی که میان منجمان رود، اندر احکام نجوم به جای آریم که قصد پرسنده این بود.» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۶۷ ش.)

بیرونی در بخش احکام نجوم کتاب خویش از مسائل مختلفی از جمله دلالت بروج بر علت‌ها و بیماری‌ها سخن می‌گوید: «برج سرطان، ضعیف و بیمارناک است و بیشتر نقرص و بواسیر آورد. برج اسد، اولش قوت است و آخر، ضعف و نقصان است و بیمارناک، خاصه درد معده و درد چشم آورد و برج جدی، ضعیف و بیمارناک است و بیشتر علت‌هایش، خون آمدن و خارش و آکله است.» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۶۷ ش.)

بیرونی در کتاب «آثار الباقیه» نیز به برخی از احکام نجوم از جمله معرفت طالع اجتماع و استقبال اشاره نموده و می‌نویسد: «ایرانیان در دو روز از اجتماع و استقبال، می‌گویند که هر دو (روز) منحوس است و اما نحسی اجتماع، جنون و امراض دماغی را در این جهان زیاد می‌کند.» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶ ش.)

ابن فندق از علمای قرن ششم نیز همچون بیرونی، اعتقادی به تنجیم نداشت، اما کتابی به نام «جوامع احکام النجوم» در زمینه تنجیم تألیف نمود، وی در مورد علت نگارش کتاب می‌نویسد: «بسیار دوستان از من التماس کردند، در معرفت احکام نجوم که در میان خلق مشهور است، (کتابی تصنیف کنم) تا کسی از آن کسب دنیا سازد. من این جماعت را گفتم، خواستن از کسی که در تهجین^۳ این، تصنیف‌ها کرده باشد خطا بود، گفتند ما در خدمت ملوکیم و از ما از این جنس پرسند و خواهند، پس ما کتب بسیار جمع و تأمل کردیم، مساعدت نکرد، پس از

بهر ما این تصنیف ببايد کرد. ایشان را حاجت کردم و این کتاب را جوامع احکام النجوم نام کردم.» (ابن فندق، ۱۲۱۷ ق.)

ابن فندق در کتاب خویش به احکام وابسته به طب نیز اشاره می‌کند. مواردی همچون: «اگر در برج سرطان، عطارد مقارن زهره بود یا اتصال کند، دلیل بود بر بیماری بسیار و اگر با قمر مقارن شود یا اتصال کند، دلیل بود بر بیماری (ناشی) از حرارت و مرگ کودکان.» (ابن فندق، ۱۲۱۷ ق.)

تعامل تنجیم با طب به اشکال گوناگونی در کتب نجومی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. برای نمونه، ملامظفر در عهد صفویه، اهمیت نقش تقویم در امور پزشکی را چنین بیان می‌نماید: «صحت و مرض و کیفیت احوال ولایات را در ورق مقدم بر اوراق دوازده‌گانه تقویم نویسند. پس هر وقت که قمر به یکی از مواضع خویش^۴ رسد، اگر در آن اوقات، طبیعت بر علت غالب شود، حال بیمار به خیر انجامد و اگر مغلوب شود، حال بیمار به شر انجامد.» (گنابادی، ۱۲۷۴ ق.)

کتاب دیگر این دوره، «هیأت و تشریح» قطب‌الدین لاهیجی است که فصلی از آن به طب و بخش دیگر به نجوم اختصاص داده شده است. این‌گونه فصل‌بندی کتاب، نشانگر وابستگی دیرینه دو دانش پزشکی و هیأت است. (لاهیجی اشکوری، ۱۳۹۳ ش.)

در کتاب «ملوک کلام» نیز احکام طبی مربوط به بروج و کواکب در حالات مختلف ذکر گردیده است: «اگر برج سنبله با عطارد ممتزج شود، نشان از دشواری حال بیماران است.» (سیف‌الدوله، بی‌تا) در جنگ و مجموعه‌ها نیز به احکام نجومی وابسته به طب اشاره شده است، همچون: «اگر رنگ کسوف و یا خسوف زرد باشد، دلیل کند بر سلامتی خلق.» (جمعی از نویسندگان، بی‌تا) و یا «اگر زحل در برج عقرب باشد، درد چشم بسیار شود.» (جمعی از نویسندگان، بی‌تا)

علاوه بر متون مذکور، در برخی از کتب طبّی به طور مستقیم، بحث تأثیر اوضاع فلکی بر سلامتی و بیماری انسان مطرح می‌گردید و بعضی از کتب طبّی به سبک تقویم‌های نجومی، به گونه مجدول تنظیم می‌گشت و در برخی دیگر، به ضرورت فراگیری علم نجوم و تنجیم توسط طبیب اشاره می‌شد. نمونه این متون، کتاب «مفتاح الطب و منهج الطلاب» در نیمه دوم قرن چهارم می‌باشد که در آن آمده: «پزشک می‌بایست با دانش نجوم آشنایی داشته باشد، اما لازم نیست که به همه مباحث مربوط به افلاک و ستارگان احاطه پیدا کند.» (ابن هندو، ۱۳۶۸ ش.)

در همین قرن، علی بن عباس مجوسی اهوازی در کتاب «کامل الصناعات الطبیه» در این زمینه می‌نویسد: «طبیب نیازمند علم نجوم است تا دارو را در وقت منتخبی که ماه در شکل موافقی در حال بالآمدن است، به کار برد.» (اهوازی، ۱۳۸۸ ش.) این توصیه اهوازی، همان رعایت احکام نجوم در درمان بیماری است که به صورت مختلف در کتب طبّی به آن اشاره شده است.

به نظر می‌رسد که در قرن پنجم، شکل دیگری از کتب طبّی در جامعه اسلامی پدید آمد، این متون بر اساس جدول و به شکل تقویم تدوین می‌شدند. آثاری همچون کتاب مجدول ابن بکلارش در اندلس که شامل جدولی از ادویه مفرده است (ابن ابی‌اصیبه، بی‌تا) و یا کتاب «تقویم‌الصحه» اثر ابن بطلان که تقریباً اغلب بخش‌های آن به صورت مجدول طراحی شده است. ابن بطلان علاوه بر به کارگیری جداول تقویم‌های نجومی، در ستون اختیارات کتاب خویش، به تأثیر کواکب بر سلامت و بیماری انسان اشاره می‌نماید: «آنگاه که آفتاب بر فلک اوج آید که اوج دورتر جای است بر زمین، اخلاط و حواس را صافی گرداند و اندام‌ها قوی گرداند و ماده‌های بد را دفع کند از تن.» (ابن بطلان، ۱۳۵۰ ش.)

وی در بخشی از کتاب به مقایسه مزاج انسان با شکل‌های مختلف ماه می‌پردازد و می‌نویسد: «بیشترین احوال مردم چون احوال ماه است. اول، حالی که مزاجش بدان تباه شود و آن کسوف است و دوم، حالی که بدان به کمال رسد و آن بدر است و سیوم، حالی که ابتدا نقصان کند و انتها کمال، و آن سیر تدریجی است از برآمدن ماه نو تا بدر شدن و چهارم، حالی که ابتدا صلاح کند و انتها فساد و آن درجه بدر است تا محاق شدن.» (ابن بطلان، ۱۳۵۰ ش.)

کتاب «تقویم‌الابدان» نیز بر اساس جداول تقویم‌های سنتی نگارش یافته است. این کتاب، تألیف ابن جزله، هم عصر ابن بطلان (قرن پنجم) است و احتمالاً روش خویش را از کتاب ابن بطلان برگرفته است. (الگود، ۱۳۵۶ ش.) ابن جزله در مورد سبک نگارش کتاب می‌نویسد: «کتاب را بر وجهی که آسان‌تر و نفع‌بردن از آن بیشتر است و کم‌حجم و پرفایده است، (یعنی) به صورت تقویم و بر حاشیه آن ذکر کردم و برای هر مرضی، دوازده خانه ترتیب دادم. در خانه اول، نام مرض مذکور است و در خانه‌های بعدی، مزاج، سن، فصل، شهر، سبب، علامت و دواها را ذکر کردم. مردم در باب به کاربردن دوا چند قسم‌اند، اول جماعتی‌اند که قدرت بر تحصیل هر نوع دوا دارند و این خانه را معالجه پادشاهان نامیدم و در خانه دیگر، دواهای کم‌قیمت که در اکثر جاها یافت می‌شود (را قرار دادم) و آن را معالجه درویشانه و سهل‌الوجود نامیدم و چنانچه احتیاج به عمل ید باشد، طریقه آن را در خانه دیگر ذکر کردم و آن را معالجه عام نامیدم.» (ابن جزله، ۱۲۴۹ ق.)

در برخی دیگر از متون طبّی، همچون «ذخیره خوارزمشاهی» که در قرن ششم تألیف شده، به ارتباط تغییرات شعاع ستارگان با زمین اشاره شده است و آمده، بیماری صرع در نور مهتاب و روزهایی که مقارن با بدر تمام است، شدت پیدا می‌کند. (جرجانی، ۱۳۵۲ ش.)

در «تحفه حکیم مؤمن» که از متون پزشکی قرن یازدهم می‌باشد، شناخت نجوم برای درک خاصیت گیاهان دارویی ضروری دانسته شده است، زیرا بر طبق این کتاب: «اختلاط اوضاع فلکی و امزجه مختلفه موجب تغییرات در ماهیت و قوه و خاصیت اکثر ادویه می‌گردد.» (مؤمن حسینی، بی‌تا)

در «خلاصه‌الحکمه» که جزء متون متأخر است، نیز آمده که هر طبیب لازم است علوم ضروریه از جمله فقه، اخلاق، حکمت، منطق، علوم طبیعی، علوم ریاضی و علم هیأت را به جهت معرفت فصول اربعه و علم احکام نجوم را برای دانستن اختیارات و تعیین اوقات سعد و نحس بداند. (عقیلی خراسانی شیرازی، ۱۳۸۵ ش.)

گرچه در متون مذکور تلازم میان تاویلات نجومی و مسائل طبی و بهداشتی، مورد تصریح قرار گرفته است، اما همان‌گونه که گذشت، این کتب جنبه فراگیر نداشتند و جزء متون تخصصی و آموزشی به شمار می‌آمدند، به همین دلیل برای عموم مردم قابل دسترسی نبودند.

ب
ر
ق
ی

ج - اوضاع تنجیم در عصر قاجار و رابطه آن با درمانگری

همان‌گونه که ذکر شد، درج تنجیم وابسته به طب در متون تخصصی، تأثیری بر گسترش این باور در افکار عمومی نداشت، اما شواهد حاکی از آن است که احکام نجوم در قرون مختلف تاریخ کشور، همواره جنبه‌ای فراگیر در شئون زندگی و به ویژه امور پزشکی اقشار جامعه داشته است، به همین دلیل منجمان جایگاه ویژه‌ای در دربار سلاطین و در میان عامه مردم داشتند و حاصل کار آنان، یعنی تقویم‌های نجومی، هم برای شاه و شاهزادگان و حکام اهمیت داشت و هم به دلیل توزیع در میان طبقات مختلف جامعه، تأثیر انکارناپذیری در زندگی روزمره آنان بر جای می‌گذاشت، از این رو برخلاف متون تخصصی، تقویم‌های

نجومی را می‌توان مهم‌ترین عامل انتقال اعتقادات نجومی در سطوح مختلف جوامع بشری به شمار آورد. اهمیت احکام نجوم در کتاب «قابوسنامه» که در قرن پنجم قمری، تدوین شده، بدین صورت بیان گردیده است، «ثمره نجوم، تقویم است و فایده تقویم، احکام است، پس جهد کن تا اصولش نیکو بدانی که اصل حکم آنگاه درست شود که تقویم ستارگان راست آید و طالع درست شود.» (عنصرالمعالی کیکاووس، ۱۳۳۵ ش؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴ ش.)

در دوره مغولان به دلیل اعتقادات خاص ایلخانان، توسعه باورها و نگرش‌های نجومی شتابی مضاعف به خود گرفت، (اشپولر، ۱۳۸۶ ش؛ زرگری و همکاران، ۱۳۹۳ ش.) این روند در دوره‌های بعدی نیز ادامه داشت به گونه‌ای که اطبائی همچون بهاءالدوله (پزشک معروف عهد صفویه) نیز حرکت ستارگان را بر سلامت انسان مؤثر می‌دانست، (الگود، ۱۳۵۲ ش.) اما تعامل طبابت و تنجیم گاهی سبب بروز اختلاف بین اطبا و منجمان در امور مختلف، از جمله خوردن و نخوردن دارو می‌شد که نتیجه آن سرگردانی بیماران بود، البته در این زمینه منجمان به طنز می‌گفتند، «اگر ما در تشخیص سعد و نحس بودن ساعات دچار اشتباه شویم، آسمان گناه ما را آشکار می‌کند، اما اگر طبیب در تشخیص بیماری خطا کند، خاک اشتباه او را می‌پوشاند.» (طیبی و همکاران، ۱۳۹۳ ش.)

در دوره قاجار نیز همچون اعصار گذشته، اعتقادات نجومی و تعیین سعد و نحس ایام بر گستره وسیعی از اعضای جامعه و درباریان نفوذ داشت، حتی در امور عادی و غیر پزشکی، چون زمان مناسب برای خروج ناصرالدین‌شاه از شهر (پولاک، ۱۳۶۸ ش.) سفر او به فرنگستان، (روزنامه ایران، ۱۲۹۰ ق.) سفر سفرای ایرانی به خارج، (ملکم، ۱۳۸۰ ش.) زمان تاجگذاری شاهان قاجار، (دالمانی، ۱۳۳۵ ش.) ورود سفرای خارجی به پایتخت (لیدی شیل، ۱۳۶۸ ش.) و نیز حفر کانال آب به منظور

آبرسانی، (تامسون و همکاران، ۱۸۵۹ م.) سعد و نحس ایام رعایت می‌شد. از سوی دیگر، طبقات مختلف جامعه نیز بر اساس اوقات سعدی که تقویم‌ها پیش‌بینی می‌کردند، امور روزمره زندگی خویش را انجام می‌دادند، (دالمانی، ۱۳۳۵ ش؛ لیدی شیل، ۱۳۶۸ ش.) حتی روستاییان نیز اعتقاد راسخی به ایام تعیین‌شده در تقویم‌ها داشتند. (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴ ش.)

اما در زمینه امور درمانی، باور عمومی جامعه به تأثیر ستارگان بر سلامت و بیماری انسان (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴ ش.) گاهی مشکل‌آفرین می‌شد. برای نمونه، در حالی که به دلیل فقدان زیرساخت‌های پزشکی و وضع وخیم بهداشتی کشور، بیماری‌های عفونی و مسری به صورت اپیدمی در ایران ظاهر می‌شدند، (نبی‌پور، ۱۳۸۶ ش.) اعتقادات عامه بر آن بود که تأثیرات صور فلکی، موجب بروز اپیدمی وبا در کشور می‌گردد، به همین دلیل هنگام بروز پدیده‌های طبیعی همچون گرفتگی خورشید یا ماه، مردم با ایجاد سر و صدای زیاد تلاش می‌کردند تا از بروز بیماری جلوگیری نمایند. (فلور، ۱۳۸۶ ش.) بر اساس همین اعتقادات، هنگامی که طبیعی، دارو یا روش درمانی خاصی را برای بیماران تجویز می‌کرد، حتی افرادی همچون میرزا آقاخان نوری، صدراعظم ناصرالدین‌شاه، بدون تعیین وقت مناسب بر اساس تقویم، دستورات پزشک را رعایت نمی‌کرد. (علیجانی، ۱۳۹۲ ش.)

در مورد استفاده نکردن دارو به دلیل نحوست ایام (بروگیش، ۱۳۶۷ ش.) خطری که بیمار را تهدید می‌کرد، کم‌تر از زمانی بود که مسائل حادی چون انجام عمل جراحی آپاندیس پیش می‌آمد، در این‌گونه مواقع، تأخیر عمل به دلیل انتظار ساعت سعد، (ویشارد، ۱۳۶۳ ش.) گاهی حوادث جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورد. از سوی دیگر، برخی طبیبان خود اعتقاد و پایبندی ویژه‌ای به احکام نجومی و تقویم‌های سنتی داشتند. نمونه این افراد، حکیمی است که برای درمان بیماری

ژوبر^۷، مستشار فرانسوی مقیم ایران، فراخوانده شد. طبیب پس از معاینه ژوبر، دارو و رژیم غذایی خاصی برای وی تجویز نمود، اما ژوبر اطمینانی به طریقه درمان او نداشت، طبیب وقتی متوجه این امر شد، به ژوبر گفت: «شک نداشته باشید، بیماری شما برایم کاملاً روشن شده است، زیرا من در پزشکی و ستاره‌شناسی وارد هستم.» (ژوبر، ۱۳۴۷ ش.) به دلیل همین اعتقادات عمومی جامعه به تنجیم بود که مراغه‌ای در کتاب خویش به طنز می‌نویسد: «به یکی از ساده‌دلان گفتم، هر وقت بدن شما به شستشو نیاز داشت، بدون تعیین نیک و بد ایام به حمام بروید که سعدترین ساعت همان است و هر زمان ناخوش شدید، پیش طبیب رفته و معالجه کنید. من نمی‌گویم تقویم لازم نیست، البته تقویم برای هر ملتی لازم است، اما نه این تقویم ایران که در سر هر صحیفه آن بنویسند، اوضاع این ماه دلالت می‌کند به شوری پنیر و شیرینی شکر و به نرمی پنبه و درشتی حجر.» (مراغه‌ای، ۱۳۸۵ ش.)

د - تعامل تنجیم و طبابت در گاهنامه‌های خانواده میرزا عبدالغفار

همان‌گونه که ذکر شد، تقویم‌های سنتی با تعیین زمان سعد و نحس برای انجام امور پزشکی موجب تثبیت این تلازم شدند. تقویم‌های نجومی از یکسو، زمان مناسب درمان بیماری و تجویز دارو را برای حکیمان مشخص می‌کردند و از سوی دیگر، در سطحی گسترده، بیماران جامعه از هر طبقه و قشر را مخاطب قرار می‌دادند.

در این پژوهش تقویم‌های نجومی عهد قاجار که دوره آشنایی ایرانیان با تمدن نوین اروپایی بود، مرور می‌گردد، دوره‌ای که به تدریج دانش جدید جایگزین علوم سنتی گردید، اما تقویم‌های نجومی با همان سبک پیشا قاجار تداوم یافتند، گرچه

در این برهه زمانی، افراد مختلفی به استخراج تقویم اشتغال داشتند، اما خاندان حاجی نجم الدوله به چند دلیل، بیش از دیگران حائز اهمیت بودند:

- ۱- میرزا عبدالغفار مأمور اعلان ساعت رسمی تحویل سال بود.
- ۲- برای چندین دهه، این خاندان مستخرج تقویم‌های نجومی بودند.
- ۳- عبدالغفار خان برای حفظ این انحصار، قبل از فوت برای حدود ده سال، تقویم سنتی استخراج و آماده نمود. بر همین اساس، سال‌ها پس از درگذشت وی، تقویم‌هایی با نام مرحوم عبدالغفار طبع می‌گردید.
- ۴- همگی آنان با دانش جدید اروپایی آشنا بودند، اما به همان دلایلی که ابوریحان بیرونی و ابن فندق به رغم بی‌اعتقادی، احکام نجومی را در متون خویش درج می‌نمودند، خاندان نجم الدوله نیز تا چند نسل متوالی، احکام نجومی مرتبط با پزشکی را در تقویم‌های خویش به صورت سعد و نحس ایام بکار بردند.

ب
هـ

هـ- گاهنامه‌های عبدالغفار نجم الدوله و خاندان وی

همان‌گونه که گذشت، اغلب افراد این خاندان با علوم جدید اروپایی آشنا بودند، حتی پدر این خانواده، یعنی ملاعلی محمد اصفهانی (۱۲۹۳-۱۲۱۵ ق.) علاوه بر سمت روحانیت و تسلط بر علوم سنتی، با برخی علوم جدید آشنا بود، این آشنایی موجب شد که به درخواست وزیر علوم وقت دوره ناصری، ملاعلی محمد به منظور کنترل و بازرسی در اولین دوره امتحانات مدرسه دارالفنون، حضور یابد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰ ش.) عبدالوهاب اصفهانی (۱۲۸۹-۱۲۵۰ ق.) پسر ارشد ملاعلی محمد، اولین فرد از خانواده بود که با عنوان منجم مهدعلیا (اصفهانی، ۱۲۸۴ ق.) به استخراج تقویم‌های نجومی پرداخت. وی بر اساس سنت دوره پیشامدرن، زمان مناسب انجام امور بهداشتی و طبی را در تقویم خویش درج می‌نمود،

(اصفهانی، ۱۲۸۴ ق.) در حالی که میرزا عبدالوهاب در متون علمی خود آشکارا سنت سعد و نحس ایام را انکار می‌کرد: «چندی است در ممالک اروپا موافق ارساد صحیح و عدله ریاضی، مبرهن شده که زمین و سایر سیارات بر دور آفتاب متحرکند، آنان پس از استخراج اوضاع سیارات (به این نتیجه رسیده‌اند که) مابین (حرکات سیارات) با امور و حوادث اتفاقیه در کره زمین ارتباط و ربطی وجود ندارد.» (اصفهانی، ۱۲۷۹ ق.)

میرزا عبدالوهاب تا سال فوتش به استخراج تقویم پرداخت، پس از وفات عبدالوهاب، عبدالغفار نجم‌الدوله (۱۳۲۶-۱۲۵۵ ق.) فرزند کوچک ملاعلی محمد که مشهورترین فرد خانواده به شمار می‌آمد، به جای برادر به استخراج تقویم‌های نجومی پرداخت. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰ ش.)

نجم‌الدوله همچون میرزا عبدالوهاب، اعتقادی به احکام نجومی و ارتباط آن با طبابت نداشت، به همین دلیل در تألیفات علمی خویش به جای تنجیم، کشفیات جدید اروپائیان را بیان می‌کرد، اما تقویم‌هایش که برای مخاطبین عام نوشته می‌شد، حاوی احکام نجومی مرتبط با امور بهداشت فردی، عمومی، تعیین زمان مناسب برای شئون پزشکی، معاینه، درمان، تجویز و مصرف دارو بود. (نجم‌الدوله، ۱۲۹۷ ق.) وی در کنار تداوم این سنت، نوآوری‌هایی نیز در تقویم‌های خویش ایجاد نمود:

[illegible]

مریم نقضی

۱- میرزا عبدالغفار همانند متون علمی‌اش، در کنار تعیین زمان سعد و نحس، اطلاعاتی از سیارات جدید همچون نپتون و اورانوس در تقویم‌های نجومی خود بیان نمود که البته مورد اعتراض قرار گرفت، زیرا طالع سیارات جدید را در تقویم خویش درج نکرد. ادعای معترضین بدین‌گونه بود: «دو سیاره نپتون و اورانوس موهومی است و اگر این دو سیاره وجود دارند، می‌بایست احکام سعد و نحس آن‌ها در تقویم نوشته شود.» (پاکدامن، ۱۳۵۳ ش.)



تقویم رقمی عبدالغفار (۱۲۹۷ ق.)

بررسی تعامل تنجیم و طبابت با مرور اجمالی بر فعالیت‌های حاجی نجم‌الدوله و خاندان وی

۲- اقدام دیگر میرزا عبدالغفار، احیای تقویم جلالی بود. در دوره سلجوقیان^۸، خیام (۵۲۶-۴۳۹ ق.) و جمعی از ریاضی‌دانان آن عصر همچون عبدالرحمان خازنی به اصلاح و احیای تقویم شمسی قدیم ایران بر مبنای هجرت رسول اکرم (ص) اقدام نمودند. مبدأ تقویم جلالی، روز جمعه دهم رمضان سال ۴۷۱ قمری بود، یعنی ۴۷۱ سال پس از هجرت پیامبر (ص)، برابر با سال اول جلالی در نظر گرفته شد، (نبئی، ۱۳۸۴ ش.) پس از چند قرن، نجم‌الدوله تقویم جلالی را احیا نمود، با این تفاوت که مبدأ تقویم نجم‌الدوله دقیقاً سال هجرت پیامبر بزرگ اسلام (ص)

از مکه به مدینه تعیین شد، (زمانی قمشهای، ۱۳۸۷ ش). یعنی زمان هجرت نبی اکرم (ص)، سال اول هجری شمسی به حساب آمد و از آن پس، وی در بالای صفحات تقویم خویش، معادل سال هجری شمسی را درج نمود. (نجمالدوله، ۱۳۲۸ ق). این تقویم ابداعی نجمالدوله، به نام تقویم «هجری شمسی برجی» معروف شد. (زمانی قمشهای، ۱۳۸۷ ش).

۳- تلاش دیگر نجمالدوله حفظ انحصار نگارش تقویم در خانواده خویش بود. از آنجایی که نسل بعدی از مستخرجین تقویم در این خانواده، یعنی محمود نجمالملک (وفات ۱۳۲۶ ق). فرزند برادر حاجی نجمالدوله در اوان جوانی درگذشت، (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱ ش). بنابراین میرزا عبدالغفار برای حفظ انحصار تقویم در خانواده خویش، تدبیری اندیشید. وی در تقویم استخراجی سال ۱۳۲۶ قمری چنین نوشت: «فعلاً استخراج تقویم در ایران منحصر به حقیر است، لذا (برای حفظ این انحصار)، بنده به مرور تا چند سال آینده تقویم را استخراج نموده و حاضر دارم.» (نجمالملک، ۱۳۲۶ ق).

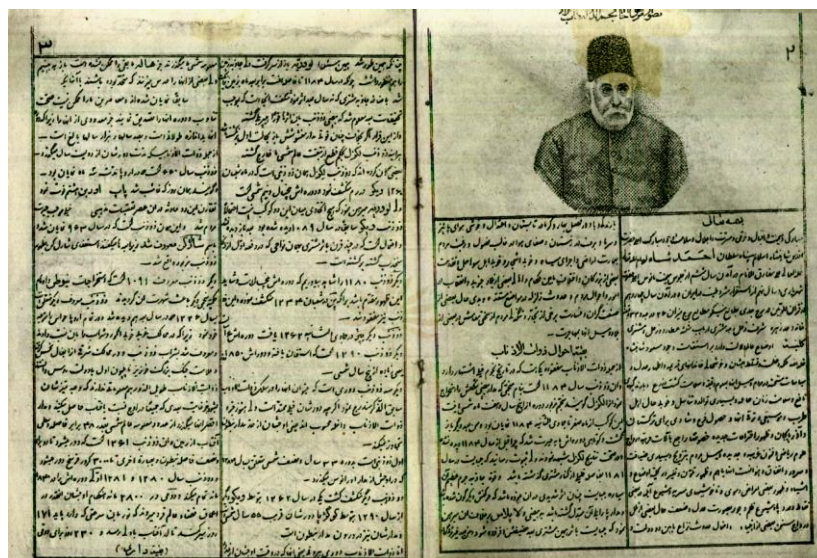
تقویم

تقویم فارسی میرزا عبدالغفار (۱۳۲۸ ق.)

معادل سال هجری شمسی در بالای تقویم آمده است.

نجم‌الدوله در همان سال بدرود حیات گفت، اما تقویم‌هایی که برای سال‌های آتی و پس از مرگ خویش تألیف نموده بود (نجم‌الدوله، ۱۳۲۸ ق.) تا ۱۳۳۷ قمری به نام خودش طبع می‌شد. بدین‌گونه، تقویم‌های وی از سال ۱۲۸۹ تا ۱۳۳۷ قمری، یعنی ده سال پس از وفاتش همچنان طبع می‌گردید.

پس از وفات میرزا عبدالغفار، تقویم‌های وی گاهی به نام خودش و گاهی با دو نام میرزا عبدالغفار و ابوالقاسم خان چاپ می‌شد. ابوالقاسم نجم (۱۳۵۹-۱۲۷۱ ش.)، معروف به نجم‌الملک پسر میرزا محمود بود (فراهانی، ۱۳۸۵ ش.) که پس از درگذشت نجم‌الدوله، به استخراج تقویم پرداخت. ابوالقاسم خان تا سال ۱۳۳۷ تقویم‌هایی را که میرزا عبدالغفار در زمان حیاتش تألیف و آماده نموده بود، طبع کرد، اما از سال ۱۳۳۸ قمری تقویم‌های نجومی را تنها به نام خویش و بر همان سنت پیشامدرن، یعنی بر اصل ارائه زمان سعد و نحس برای شئون زندگی و امور بهداشتی و سلامت، استخراج و طبع نمود. (نجم‌الملک، ۱۳۳۸ ق.)

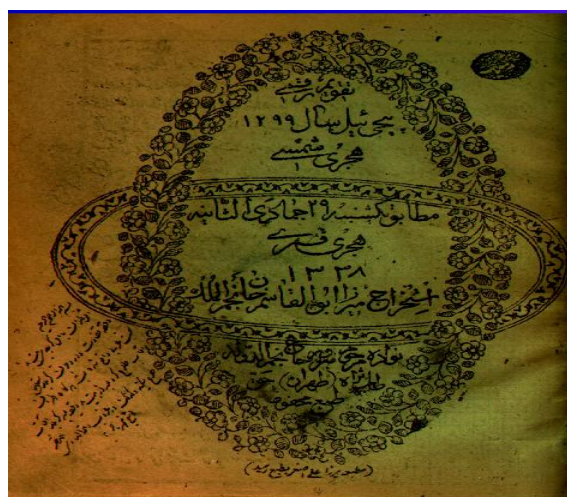


تقویم مرحوم عبدالغفار نجم‌الدوله همراه تصویری از وی (۱۳۳۳ ق.)

بدین ترتیب عبدالغفارخان نجم‌الدوله و برخی از اعضای خانواده وی، به رغم آنکه جزء مستخرجین تقویم‌های نجومی به شمار می‌آمدند، به دلیل آشنایی با علوم مدرن اروپایی و نجوم جدید، برخلاف دوره پیشاقاجار که دانش احکام نجوم در متون هیأت درج می‌شد، از درج احکام نجوم در کتب علمی خویش امتناع ورزیدند، زیرا مخاطبین متون تخصصی نجوم، قشر تحصیلکرده و آشنا با علوم مدرن بودند، اما تقویم‌های نجومی، کارکرد دیگری داشتند و مخاطب آن‌ها، مردم عادی جامعه بودند^۹ که یا با دانش جدید آشنا نبودند و یا اعتقادی به علوم مدرن نداشتند. به همین جهت، سنت تعامل تنجیم و طبابت و تعیین زمان سعد و نحس ایام برای درمان بیماری‌ها همچون دوره قبل از قاجار، در تقویم‌های چند نسل متوالی از این خاندان (میرزا عبدالوهاب، عبدالغفارخان، محمودخان و میرزا ابوالقاسم)، با وجود عدم اعتقاد آنان به تأثیر احکام نجومی و حرکت کواکب بر زندگی و سلامت انسان، همچنان ادامه یافت. این مطلب از آن جهت حائز اهمیت است که تقویم‌ها برخلاف متون تخصصی، مخاطب کثیری داشتند.^{۱۰} به همین دلیل، ذکر تنجیم وابسته به طب در تقویم‌های نجم‌الدوله و خاندانش، نقش مؤثری در تداوم این سنت کهن در کشور بر جای گذارد، به گونه‌ای که در تقویم برخی مستخرجین متأخر نیز، به رغم بی‌اعتقادی به تنجیم، سنت درج احکام نجوم در تقویم‌های سنتی حفظ شد.^{۱۱}



تقویم مرحوم عبدالغفار نجم الدوله (۱۳۳۷ ق.)



تقویم میرزا ابوالقاسم (۱۳۳۸ ق.)

نتیجه‌گیری

یکی از کاربردهای احکام نجوم، تعیین زمان سعد و نحس برای انجام امور پزشکی می‌باشد که قرن‌ها مورد توجه منجمین، طبیبان و مؤلفین تقویم‌های نجومی قرار گرفته است، اما در قرن سیزدهم، تنجیم که در ادوار گذشته دانشی مستقل در سلسله مراتب معرفت و طبقه‌بندی علوم به شمار می‌آمد، اعتبار اولیه خویش را از دست داد. به رغم مغفول ماندن جایگاه احکام نجوم در متون علمی طب و هیأت، مؤلفین تقویم‌های نجومی، به ویژه عبدالغفار نجم‌الدوله و برخی از خاندان وی به دلیل افکار عمومی جامعه - همان علتی که ابوریحان بیرونی و سایر اندیشمندان را وادار به نگارش احکام نجومی نمود - به تداوم این سنت که شامل پیش‌بینی زمان مناسب برای درمان بیماری و بازیابی سلامت در تقویم بود، ادامه دادند.

پی‌نوشت‌ها

1. Heinrich K. Brugsch (1827-1894)

۲. عبدالغفارخان (ملقب به حاجی نجم‌الدوله، عبدالغفار مهندس و نجم‌الملک) از معلمین علوم مدرن مدرسه دارالفنون بود.

۳. نکوهش کردن.

۴. حالات مشخصه ماه، شامل محاق (حالتی که نور از قمر سترده شود)، بدر (حالتی که قمر از نور پر باشد)، تربیع اول و تربیع ثانی (که نور قمر در این دو وقت به نیمه دیده آید) می‌باشند. (ابوریحان بیرونی، ۱۳۶۷ ش.)

۵. شب آخر ماه قمری که ماه از چشم ناظر زمینی پنهان می‌شود.

۶. نمونه این موارد، ماجرای وفات عباس‌میرزا، نایب‌السلطنه فتحعلی‌شاه می‌باشد. در این زمینه آمده: «در سال واقعه وفات نایب‌السلطنه، سه بار خسوف و کسوف واقع شد و یک بار آفتاب و دو بار ماه گرفت. در احکام این ماه، منجمان (پیش‌بینی کرده بودند که) اوضاع فلکی دال است بر وفات شخصی بزرگ.» (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴ ش.)

7. Pierre Amédée Jaubert (1779-1847)

۸. امپراتوری سلجوقی (قرون پنجم و ششم قمری) که از حدود ماوراءالنهر تا سواحل دریای مدیترانه وسعت یافته بود، احتیاج به یک تقویم علمی داشت تا بتواند این کشور پهناور را از بی‌سامانی‌های مالی دور نگه دارد، به همین دلیل دانشمندانی چون خیام نیشابوری، ابوالمظفر اسفزاری، میمون بن نجیب واسطی، عبدالرحمن خازنی، ابوعباس لوکری و ابن کوشک بیهقی تحت ریاست حکیم خیام و با حمایت ملک‌شاه سلجوقی و وزیرش خواجه نظام‌الملک به اصلاح و احیای تقویم شمسی قدیم ایرانی بر مبنای هجرت پیامبر بزرگ اسلام (ص) اقدام نمودند و تقویم جدید را به نام سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه، تقویم جلالی نامیدند. (نبئی، ۱۳۸۴ ش؛ زمانی قمشه‌ای، ۱۳۸۷ ش.)

۹. همان‌گونه که گذشت، بسیاری از درباریان نیز پیرو احکام نجوم بودند، چنانچه نقل شده ناصرالدین‌شاه به میرزاحمود قمی (۱۳۳۸-۱۲۵۰ ق.) ملقب به مشاورالملک (که از دانش‌آموختگان دارالفنون و جزء محصلین اعزامی به اروپا بود و علاوه بر تحصیل دانش نجوم، مدتی در رصدخانه‌های پاریس و بروکسل فعالیت کرده بود) تکلیف نمود که تقویمی برایش بنویسد. میرزاحمود نیز طبق اصول علمی جدید، تقویمی استخراج و تقدیم شاه کرد. میرزاحمود قمی در مورد تقویم خویش می‌نویسد: «این بنده، مطابق زیج معمول اروپا، استخراج تقاویم کواکب را نموده که به جهت سنه ۱۲۸۲ قمری برابر سنه ۱۸۶۶ مسیحی می‌باشد و تقویم مستخرجه خود را به نام پادشاه کل ممالک ایران، ناصرالدین‌شاه قاجار،

موسوم به تقویم ناصری می‌نمایم.» (قمی، ۱۲۸۲ ق.). اما این تقویم فاقد احکام نجومی و به روش جدید اروپایی تنظیم شده بود، به همین دلیل ناصرالدین‌شاه پس از مطالعه تقویم، آن را به گوشه‌ای پرت کرده و گفت: «این که سعد و نحس ندارد (و به کار نمی‌آید).» (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱ ش.). نکته قابل توجه در مورد تقویم میرزاحمود قمی آن است که او نام تقویم خود را به نام پادشاه وقت، «تقویم ناصری» نامیده است. چنین عملی در دوره احمدشاه قاجار نیز تکرار شد، بدین صورت که سیدجلال‌الدین تهرانی (۱۴۰۷- ۱۳۱۷ ق.) تقویم استخراجی خود در سال ۱۳۴۱ قمری را «تاریخ احمدی» نامید. وی در این زمینه می‌نویسد: «این سال که برابر سال دهم تاجگذاری احمدشاه قاجار و سال هجدهم مشروطیت ایران است، حقیر تقویم خود را به نام شاهنشاه ایران، تاریخ احمدی نام گذارده است.» (تهرانی، ۱۳۴۱ ق.). سیدجلال‌الدین تهرانی از منجمین و مستخرجین تقویم در دوره متأخر بود و مدتی به تحصیل نجوم در بلژیک اشتغال داشت. (گیاهی یزدی، ۱۳۸۸ ش.). این در حالی است که حاجی نجم‌الدوله طی چندین دهه استخراج تقویم، هیچ‌گاه تقویم‌های خویش را به نام پادشاه وقت نامگذاری نکرد.

۱۰. به دلیل تقاضای عمومی در خرید تقویم‌های نجومی، محل فروش این تقویم‌ها به صورت آگهی در روزنامه‌های آن عصر چاپ می‌شد. برای نمونه، در یک اعلان «روزنامه ایران» به سال ۱۲۸۸ قمری آمده که: «تقویم‌های استخراجی حاجی نجم‌الدوله در کاروانسرای امین‌الملک، در حجره حاجی ملابقر کتابفروش به فروش می‌رسد.» (روزنامه ایران، ۱۲۸۸ ق.). این تقویم‌های فارسی علاوه بر ایران، در کشورهای چون عثمانی و هند نیز طرفدار داشتند، به گونه‌ای که اعلان آن‌ها در روزنامه‌های فارسی‌زبان خارج نیز چاپ می‌شد، مانند اعلان فروش تقویم در «روزنامه اختر» که در استانبول منتشر می‌شد، در این آگهی آمده: «اوایل سال، بعضی از آشنایان خواهشمند تقویم ایرانی شدند، بر حسب خواهش ایشان، چند نسخه تقویم از دارالخلافه تهران آورده و در اداره‌خانه اختر به بهای معین فروخته می‌شود.» (روزنامه اختر، ۱۲۹۴ ق.).

۱۱. برای نمونه می‌توان به تقویم سال ۱۳۴۶ قمری، سیدجلال‌الدین تهرانی و تقویم ۱۳۷۲ قمری، شیخ عبدالنبی کشفی اشاره نمود که در آن‌ها به رغم بی‌اعتقادی مؤلفان به تنجیم، احکام نجومی درج شده است. سیدجلال‌الدین تهرانی در این زمینه می‌نویسد: «آنچه به پیش‌بینی راجع می‌شود، علم نجوم احکامی نامند که مورد بحث است و ما همه ساله برای آنکه فکر عامه را بی‌جهت متوجه مطالبی که اساس برهانی ندارد، نسازیم، در مقدمه می‌نویسیم که به مندرجات احکام تقویم اعتمادی نباید کرد و خود را بدون سبب در وحشت و اضطراب نباید گذارد، ولی چون هنوز عده‌ای معتقدند به احکام، همه ساله از کتب مهمه، احکام استخراج (و در تقویم درج) می‌شود.» (تهرانی، ۱۳۴۶ ق؛ تهرانی، ۱۳۵۳ ق.). شیخ عبدالنبی کشفی نیز در مورد تنجیم می‌نویسد: «مخفی نماند که کلیه افراد بشر به حسب طبیعت

موظف به انجام کارهای مربوط به خود می‌باشند و طبق آیه شریفه «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» باید انسان برای امور دنیوی و اخروی خود همواره کوشش نماید و چنانچه مقید به سعد و نحس کواکب باشند و امورات زندگی خود را بدین سبب به تعویق اندازند، کارهای دنیوی به طور کلی فلج خواهد شد، لذا به طوری که در سال‌های پیش اشاره نموده‌ایم، سعد و نحس کواکب در حیات بشر هیچ گونه مداخلیتی ندارد. انسان باید مشاغل خود را با میزان عقل و مشاوره تطبیق و عمل نماید. بنابراین ستون اختیارات تقویم نه برای این منظور است که اشخاص طبق آن رفتار نمایند، بلکه برای این منظور نوشته شده که اولاً از متقدمین پیروی نموده باشیم؛ ثانیاً تقویم از هر حیث جامع و مفید باشد.» (کشفی خراسانی، ۱۳۷۲ ق.)

فهرست منابع

منابع فارسی:

- آملی، شمس‌الدین. (۱۳۱۷ ق.). *نفائس‌الفنون فی عرایس‌العیون*. بی‌جا: کتاب‌فروشی خوانساری، ص ۱۷۳.
- ابن بطلان، مختار بن حسن. (۱۳۵۰ ش.). *تقویم‌الصحه*. مصحح غلامحسین یوسفی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، صص ۱۵۹-۳.
- ابن جزله، یحیی ابن عیسی. (۱۲۴۹ ق.). *تقویم‌الابدان*. مترجم محمدآشرف شمس‌الدین محمد، نسخه خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۷۱۱۳-۵.
- ابن فندق، علی بن زید. (۱۲۱۷ ق.). *جوامع احکام‌النجوم*. نسخه خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۰۱۸۸-۵.
- ابن هندو، ابوالفرج علی بن حسین. (۱۳۶۸ ش.). *مفتاح‌الطب و منهاج‌الطلاب*. مصحح مهدی محقق و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک‌گیل، ص ۲۳۹.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. (۱۳۸۶ ش.). *آثارالباقیه عن القرون‌الخالیه*. مترجم اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، ص ۳۶۰.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. (۱۳۶۷ ش.). *التفهیم‌لاوائل صناعه‌التنجیم*. مصحح جلال همایی، تهران: نشر هما، صص ۳۳۰-۳۱۶.

اشپولر، برتولد. (۱۳۸۶ ش.). *تاریخ مغول در ایران*. مترجم محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۷۳.

اصفهانی، صادق. (۱۲۶۹ ق.). *شاهد صادق*. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران، شماره ۵۰۲۸.

اصفهانی، عبدالوهاب بن علی محمد. (۱۲۷۹ ق.). *استخراج حرکات سیارات*. نسخه خطی کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری - سپهسالار، شماره ۶۱۹.

اصفهانی، عبدالوهاب بن علی محمد. (۱۲۸۴ ق.). *تقویم رقمی*. تهران: کارخانه سیدمحمدباقر تهرانی، صص ۱-۳.

اصلاح عربانی، ابراهیم. (۱۳۷۴ ش.). *کتاب گیلان*. تهران: پژوهشگران ایران، پنج جلدی، جلد سوم، ص ۵۴۱.

اعتصامالملک، میرزاخانلرخان. (۱۳۵۱ ش.). *سفرنامه خانلرخان اعتصامالملک*. تهران: نشر منوچهر محمودی، ص ۲۸.

الگود، سیریل. (۱۳۵۲ ش.). *تاریخ پزشکی ایران از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴*. مترجم محسن جاویدان، تهران: اقبال، ص ۵۱۸.

الگود، سیریل. (۱۳۵۶ ش.). *تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی*. مترجم باهر فرقانی، تهران: امیرکبیر، ص ۲۵۶.

اولیویه، گیوم آنتوان. (۱۳۷۱ ش.). *سفرنامه اولیویه*. مترجم محمدطاهر قاجار و مصحح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات، ص ۹۱.

بروگیش، هینریش. (۱۳۷۴ ش.). *در سرزمین آفتاب*. مترجم مجید جلیلوند، تهران: مرکز، ص ۱۳۸.

بروگیش، هینریش. (۱۳۶۷ ش.). *سفر به دربار سلطان صاحبقران*. مترجم کردبچه، تهران: اطلاعات، دو جلدی، جلد دوم، ص ۳۳۸.

پاکدامن، ناصر. (۱۳۵۳ ش.). *میرزاعبدالغفار نجمالدوله و تشخیص نفوس دارالخلافة*. *سالنامه فرهنگ ایرانزمین*. به کوشش ایرج افشار، شماره بیستم، ص ۳۳۵.

پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸ ش.). *سفرنامه پولاک*. مترجم کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی، صص ۸۱-۱۹۸.

تهرانی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۴۱ ق.). *تقویم احمدی (تاریخ احمدی)*. تهران: مطبعه علمی، ص ۱.

تهرانی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۴۶ ق.). *تقویم رقیمی*. تهران: بی‌نا، ص ۲.

تهرانی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۵۳ ق.). *تقویم فارسی*. تهران: بی‌نا، ص ۲.

جرجانی، اسماعیل. (۱۳۵۲ ش.). *ذخیره خوارزمشاهی*. مصحح جلال مصطفوی، تهران: انجمن آثار ملی، صص ۴۷-۵۱.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۰ ش.). *اثرآفرینان - زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، شش جلدی، جلد ششم، ص ۲۷.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۴ ش.). *تنکوشا - به ضمیمه مدخل منظوم از عبدالجبار خجندی*. تهران: میراث مکتوب، ص ۶۶.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۱ ش.). *عبدالغفار نجم‌الدوله پیشگام آموزش نجوم جدید در ایران*. نشریه نجوم، شماره دوازدهم، ص ۲۲.

جمعی از نویسندگان. (بی‌تا). *مجموعه نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران*، شماره ۶۱۲۵.

جمعی از نویسندگان. (بی‌تا). *مجموعه نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، شماره ۵۸۲۹.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۶۲ ش.). *مجموعه مقالات طب سنتی ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۱۱۱.

جهانگیر میرزا. (۱۳۸۴ ش.). *تاریخ نو*. مصحح عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم، ص ۱۹۷.

حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۶۵ ش.). *تاریخ تمدن اسلام*. بی‌جا: نشر بنیاد، ص ۲۳۶.

دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵ ش.). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. مترجم علی‌محمد فره‌وشی، تهران: امیرکبیر، ص ۶۸.

دنيسرى، شمس‌الدين محمد ابن امين‌الدين ايوب. (بی‌تا). *نوادرات‌التبادر لتحفه‌البهادر*. مصحح محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، صص ۴۹-۵۱.

روح‌الهی، حسین. (۱۳۸۹ ش.). پیشرفت‌های حیرت‌انگیز احکام نجوم. کتاب ماه علوم و فنون. دوره دوم، شماره صد و بیست و ششم، ص ۹۴.

روزنامه/ختر. (۱۲۹۴ ق.). شماره چهل و سوم.

روزنامه/ایران. (۱۲۸۸ ق.). نمره سیزدهم.

روزنامه/ایران. (۱۲۹۰ ق.). نمره صد و پنجاه و نهم.

زرگری، فاطمه. یحیایی، علی. (۱۳۹۳ ش.). تأثیر باورها و نگرش‌های نجومی بر اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در سده‌های چهارم تا نهم ق. تاریخ و فرهنگ. سال چهل و ششم، شماره نود و سوم، صص ۱۱۰-۱۰۸.

زمانی قمشه‌ای، علی. (۱۳۸۷ ش.). اخترشناسان و نوآوران مسلمان. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چهار جلدی، جلد سوم: ص ۱۹؛ جلد چهارم، صص ۲۶۲-۲۶۱.

ژوبر، پیرامده. (۱۳۴۷ ش.). مسافرت در ارمنستان و ایران. مترجم علیقلی اعتمادمقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۵۷.

سیف‌الدوله، سلطان‌محمد میرزا. (بی‌تا). ملوک‌الکلام و متجرب‌الخاص و العام. نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۲۷۳۹.

طیبی، سیدمحمد. کاویانی پویا، حمید. (۱۳۹۳ ش.). طب در ایران عصر قاجار بر اساس سفرنامه‌های سیاحان غربی. پژوهش‌نامه تاریخ. سال نهم، شماره سی و پنجم، ص ۱۲۲.

عقیلی خراسانی شیرازی، محمدحسین. (۱۳۸۵ ش.). خلاصه/الحکمه. مصحح اسماعیل ناظم، قم: اسماعیلیان، سه جلدی، جلد اول، صص ۱۷-۱۵.

علیجانی، مهدی. (۱۳۹۲ ش.). معاینه و روش‌های طبابت در دوره قاجار از دید سیاحان اروپایی. تاریخ پزشکی. دوره پنجم، شماره شانزدهم، ص ۹۷.

عنصرالمعالی، کیکاووس. (۱۳۳۵ ش.). قابوسنامه. مصحح امین عبدالمجید بدوی، تهران: کتابفروشی ابن‌سینا، ص ۱۶۱.

عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور. (۱۳۷۴ ش.). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. مصحح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، ده جلدی، جلد پنجم، ص ۳۳۷۲.

فارابی، محمد بن محمد. (۱۳۴۸ ش.). *احصاء العلوم*. مترجم حسین خدیوچم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۸۴.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۳۹۱ ش.). *جامع العلوم (ستینی)*. مصحح سیدعلی آل‌داود، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ص ۴۲۷.

فراهانی، حسن. (۱۳۸۵ ش.). *روزشمار تاریخ معاصر ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، هفت جلدی، جلد دوم، ص ۶۳.

فلور، ویلم. (۱۳۸۶ ش.). *سلامت مردم در ایران قاجار*. مترجم ایرج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، ص ۱۹.

قطب‌الدین شیرازی، محمود بن مسعود. (۱۳۲۰ ش.). *دره‌التاج*. مصحح محمد مشکوة، تهران: چاپخانه مجلس، ص ۷۵.

قمی، محمود. (۱۲۸۲ ق.). *تقویم ناصری*. تهران: بی‌نا، صص ۶-۷.

کشفی خراسانی، شیخ عبدالنبی. (۱۳۷۲ ق.). *تقویم فارسی*. تهران: بی‌نا، ص ۲.

کمپفر، انگلبرت. (بی‌تا). *سفرنامه کمپفر*. مترجم کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ص ۱۰۲.

گنابادی، مظفر بن محمدقاسم. (۱۲۷۴ ق.). *شرح بیست باب ملامظفر در معرفت تقویم*. تهران: بی‌نا، صص ۴۱-۴۵.

گیاهی یزدی، حمیدرضا. (۱۳۸۸ ش.). *تاریخ نجوم در ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص ۱۰۵.

لاهیجی اشکوری، قطب‌الدین محمد بن شیخعلی شریف. (۱۳۹۳ ش.). *رساله در هیأت و تشریح*. مصحح یوسف بیگ‌باباپور، تهران: سمیر، صص ۱۹-۲۰.

لیدی شیل، مری لئونورا ویت. (۱۳۶۸ ش.). *خاطرات لیدی شیل*. مترجم حسین ابوترابی‌ان، تهران: نشر نو، ص ۵۹.

مجوسی اهوازی. علی بن عباس. (۱۳۸۸ ش.). *کامل‌الصناعة الطبییه*. مترجم سیدمحمدخالد غفاری و مقدمه مهدی محقق، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک‌گیل، سه جلدی، جلد اول، ص ۲۴.

محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۰ ش.). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. تهران: دانشگاه تهران، سه جلدی، جلد اول، ص ۱۰۰.

محمدی، محمد. (۱۳۲۳ ش.). *فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در تمدن اسلام و غرب*. تهران: چاپخانه پیمان، ص ۲۰۵.

مراغه‌ای، زین‌العابدین. (۱۳۸۵ ش.). *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ*. مصحح محمدعلی سپانلو، تهران: آگاه، ص ۲۳۴.

ملکم، سرجان. (۱۳۸۰ ش.). *تاریخ کامل ایران*. مترجم میرزا اسماعیل حیرت، تهران: افسون، دو جلدی، جلد دوم، ۲، ص ۸۳۳.

مؤمن حسینی، محمد. (بی‌تا). *تحفه حکیم مؤمن*. مقدمه محمود نجم‌آبادی، بی‌جا: کتاب‌فروشی مصطفوی، ص ۳.

مینوی، مجتبی. (۱۳۳۴ ش.). *قران کواکب در سال ۵۸۲*. یغما. سال هشتم، شماره هشتاد و دوم، ص ۸۳. نبی‌پور، ایرج. (۱۳۸۶ ش.). *پیش‌درآمدی بر تاریخ پزشکی خلیج فارس*. بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، ص ۸۸.

نبئی، ابوالفضل. (۱۳۸۴ ش.). *نقش عمر خیام در گاهشماری ایرانی*. فرهنگ. شماره پنجاه و سه و پنجاه و چهارم، صص ۳۵-۳۶.

نجم‌الدوله، عبدالغفار. (۱۲۹۷ ق.). *تقویم رقمی*. تهران: بی‌جا، صص ۳-۲.

نجم‌الدوله، عبدالغفار. (۱۳۲۸ ق.). *تقویم فارسی*. تهران: بی‌نا، ص ۲.

نجم‌الدوله، عبدالغفار. (۱۳۳۳ ق.). *تقویم فارسی*. تهران: بی‌نا، صص ۳-۲.

نجم‌الدوله، عبدالغفار. نجم‌الملک، ابوالقاسم. (۱۳۳۷ ق.). *تقویم رقمی*. تهران: مطبعه میرزا علی‌اصغر، ص ۱.

نجم‌الملک، ابوالقاسم. (۱۳۳۸ ق.). *تقویم رقمی*. تهران: مطبعه میرزا علی‌اصغر، صص ۴-۳.

نجم‌الملک، محمود. (۱۳۲۶ ق.). *تقویم فارسی*. تهران: بی‌نا، صص ۱۲-۲.

نصر، سیدحسین. (۱۳۸۴ ش.). *علم و تمدن در اسلام*. مترجم احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی، صص ۴۵-۵۰.

نظامی عروضی، احمد بن عمر بن علی. (۱۳۸۶ ش.). چهارمقاله. مصحح محمد قزوینی و محمد معین، تهران: صدای معاصر، ص ۹۱.

واجد، علی خان. (۱۲۸۹ ق.). مطلع العلوم و مجمع الفنون. کانپور: مطبع منشی نولکشور، ص ۲۸۳.

ویشارد، جان. (۱۳۶۳ ش.). بیست سال در ایران. مترجم علی پیرنیا، بی جا: انتشارات نوین، ص ۲۴۲.

منابع عربی:

ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم. (بی تا). عیون الانباء فی طبقات الاطباء. بیروت: دارالمکتبه حیا، ص ۵۰۱.

ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۲۶ ق.). تسع رسائل فی الحکمه و الطبيعیات. قاهره: دارالعرب، ص ۱۱۰.

خوارزمی، محمد بن احمد. (۱۳۴۲ ق.). مفاتیح العلوم. مصر: الطباعه المنیریة، ص ۱۳۰.

منابع انگلیسی:

Thomson, RF. Kerr, S. (1859). Journey through the mountainous districts north of the Elburz and ascent of Damavand in Persia. *Royal Geographical Society*. 3(1): 6.

یادداشت شناسه مؤلف

مریم ثقفی: دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پست الکترونیک: marysaghafi@yahoo.com

Interaction between Astrology and Medicine
By review the works of Najm al-Doleh and his family

Maryam Saghafi

Abstract

Prediction of future and events of human life, especially matters related to medicine, such as determining the right time to take medicine and health retrieval, were one of the major concerns of mankind in the past. This predicts would become possible by using astrology. The importance of this knowledge led astrology to be written in astronomical and medical books for specific audience and calendars for traditional audiences. When new European knowledge arrived Iran, in Qajar era, writing astrology in contexts were missing its position, but the astronomical calendars have continued.

The main aim of this study is to investigate the interaction between astrology and medicine based on the works of Abdul Gaffar Najm al-Doleh and his family. For this purpose, the current research attempts to collect information by studying books and taking notes and then the required data were obtained by analyzing raw information and at the end, this article was written by using descriptive-analytic approach. Thus, by investigation the history sources, this paper reaches to the conclusion that despite of their familiarity with modern science, due to the demand of society, writing astrological calendars were continued by several successive generations of this family.

Keywords

Astrology, Medicine, Abdul Gaffar, Calendar